

منابع قرآن

دکتر م. روشنگر

فهرست

داستان‌های خلقت، پیامبران و تورات

نگاهی به داستان‌های اسطوره‌ای تورات

خلقت شش روزه

خلقت آدم از گل

خلقت زن از دنده‌ی چپ مرد

فریب خوردن از مار

توحید، معاد، احکام و عبادات

احکام اسلامی

عبادات اسلامی

مفاهیم و کلمات قرآن در شعر جاهلی

خطابه‌ها و اشعار هم‌ارز با سوره‌های قرآن

امیه بن ابی صلت

زید بن عمرو

کعب بن لوی

عبد الطابخة بن ثعلب

حاتم طایی

زهیر بن ابی سلمی

امرؤ القیس

زبراء کاهنه

داستان‌های خلقت، پیامبران و تورات

مکه در زمان محمد جایگاه بسیار مناسبی از نظر ارتباط با فرهنگ‌ها و سنن مختلف داشت. از طرفی مکه خانه‌ی کعبه را در خود داشت که هر ساله مردم بسیاری را از دور و نزدیک به خود جذب می‌کرد و طبعاً محیط مناسبی را برای ارتباط و تبادل فرهنگی فراهم می‌کرد. از طرف دیگر مکه دارای تاجران بزرگی بود که به سرزمین‌های دور از جمله ایران و روم در رفت و آمد بودند و طبعاً اطلاعات فراوانی از فرهنگ و سنن دیگران را به مکه می‌آوردند. و مهم‌تر از همه محمد قبل از نبوتش بمدت ۱۵ سال رییس کاروان تجاری خدیجه بود و در این مدت مسافرت‌های متعددی به اقصی نقاط خاورمیانه و سرزمین شام داشت و مستقیماً با اقوام و ملل و ادیان مختلف در ارتباط بود و در این سفرها با افراد مختلف و روحانیون و مورخین مختلف گفتگو و تبادل اطلاعات و اخبار داشته است و علاوه بر آنچه گفته شد، قبایلی از مسیحیان (در نجران) و یهودیان (در مدینه) در شبه جزیره‌ی عربستان می‌زیستند که مردمانی دارای کتاب و باسوادتر از بقیه‌ی اعراب بودند. بنابراین انتظار می‌رود که اطلاعاتی از فرهنگ‌های ایران و روم و نواحی دیگر در مکه در بین مردم وجود داشته باشد و همچنین اطلاعاتی از کتب مقدس یهودیان و مسیحیان نیز در بین مردم رواج داشته است و همین اطلاعات برای تدوین قرآن کاملاً کفایت می‌کرد. در قرآن هیچ چیزی فراتر از تاریخ و جغرافیای آن زمان وجود ندارد. قرآن محصول مجموعه‌ی فرهنگی ۱۴۰۰ سال پیش مکه است. در اینجا بطور مختصری به منابع مطالب مختلف قرآن می‌پردازیم:

داستان‌های خلقت و پیامبران گذشته

اینگونه داستان‌های قرآن تقریباً بطور کامل از تورات و کتب دیگر عهد عتیق گرفته شده‌اند. و در میان اعراب نیز شایع بوده است چنانچه در اشعار شعرای جاهلی مشاهده می‌شوند حتی بعضی تفاوت‌ها با قصه‌های تورات (مثلاً تسخیر باد و جن و شیطان که به سلیمان نسبت داده شده) نیز در بین اعراب وجود داشته است.¹

¹ القرآن في الشعر الجاهلي، ناهد متولي

در اینجا ما در پی تطبیق تک تک موارد نیستیم، ولی اگر کسی یکبار قرآن را خوانده باشد و سپس کتاب تورات را بخواند از وسعت شباهت بین قرآن و تورات حیرت زده می‌شود. کلیه‌ی مباحث در مورد خلقت بشر، در مورد نوح، ابراهیم، یعقوب، یوسف، موسی، بنی اسرائیل و داوود و سلیمان و انبیا دیگر بنی اسرائیل همگی به طرز باور نکردنی مشابه تورات است. البته تفاوت‌های کوچکی گاه وجود دارند که ممکن است ناشی از فراموش کردن یا از تغییر عمدی آنان توسط محمد باشد. مثلاً بنظر من محمد عمدا داستان آمدن ابراهیم و فرزندش اسماعیل را به مکه و بنیانگذاری کعبه توسط آنان را اضافه کرده است تا نشان دهد که خودش (محمد) از نسل ابراهیم است و دین خود را به دین ابراهیم وصل کند. همچنین وی اسماعیل را بجای اسحق گذاشته است تا افتخار قربانی شدن را به اجداد عرب خود نسبت دهد. داستان‌های غیر توراتی مثل داستان هود، عاد، اصحاب کهف و رقیم، ذوالقرنین، لقمان و شعیب نیز در اشعار عرب جاهلی وجود دارد (به تفصیل در این مورد می‌نویسیم).²

نکته‌ی جالب توجه این است که در قرآن هیچ صحبتی از پیامبران غیر عرب و غیر یهودی نشده است مثلاً صحبتی از زرتشت ایرانی و یا پیامبران هندو و

نگاهی به داستان‌های اسطوره‌ای تورات

هر چند بیشتر آثار تمدن‌های باستانی از بین رفته است. اما طبق اندک کتاب‌ها، سنگ نوشته‌ها و الواح گلی که بدست پژوهشگران و دانشمندان رسیده است نشان می‌دهد که بیشتر داستان‌ها و قوانین دین یهود برگرفته از تمدن‌های باستانی است. به چند نمونه از این داستان‌های اساطیری توجه کنید:

خلقت شش روزه

در باورهایی که مربوط به چهار دین یهود، مسیح، اسلام و زرتشت است، خداوند این جهان را در شش روز یا شش مرحله آفریده است. بنابر روایت کتاب مقدس، در سفر پیدایش، بخش یکم، خداوند این جهان و همه موجودات آن را در شش روز آفریده است.

² القرآن في الشعر الجاهلي، ناهد متولي

همین موضوع در مسیحیت و اسلام نیز تکرار شده است، اما در دین زرتشت که از هر سه دین سامی قدیمی‌تر است. خلقت زمین در شش مرحله که مجموعاً یکسال می‌شود انجام شده است و نه در شش روز:

«اورمزد آسمان را در چهل روز در آغاز روز اورمزد از ماه فروردین (اولین روز سال) آفرید و بعد به مدت پنج روز درنگ کرد. بعد آب را در مدت پنجاه و پنج روز آفرید و پنج روز درنگ کرد. سوم، زمین را در هفتاد روز آفرید و پنج روز درنگ کرد. چهارم گیاه را در بیست و پنج روز آفرید و پنج روز درنگ کرد. پنجم گوسفند (حیوانات اهلی) را در هفتاد و پنج روز آفرید و پنج روز درنگ کرد. ششم انسان یعنی کیومرث را در هفتاد روز آفرید یعنی از آغاز روز رام از ماه دی تا روز انیران از ماه سپندارمذ، بعد پنج روز درنگ کرد.»³

خلقت آدم از گل

انسانها با الهام از کار کوزه‌گران، انسان را ساخته شده از گل می‌پنداشتند و چون وقتی انسانی می‌مرد دیگر نفس نمی‌کشید و دم و بازدم نداشت، فکر می‌کردند که دم و بازدم همان روح بوده است که از بدن شخص مرده خارج شده است و اصطلاح دمیدن روح از این خیال شکل گرفته است.

تقریباً در اکثر اساطیر انسان از گل ساخته شده است، در مصر خنوم [Chnum] و در بابل ارورو [Aruru] آدمیان را از گل می‌سازند، همچنین کیومرث در اساطیر ایرانی از گل ساخته شده است. در اساطیر یونانی نیز انسان از گل ساخته شده است:

«چون زئوس در المپ بر سریر خدایی نشست و جنگ بزرگ پایان یافت، پرمئتئوس را فراخواند و فرمود: برو انسان را از گل رس بساز، کالبد او را به شکل جاودانان بساز و من در او زندگی خواهم دمید. پرمئتئوس برای به اجرا گذاشتن فرمان زئوس به محلی در یونان به نام پانوپئوس [Panopeus] واقع در چند کیلومتری شمال شرقی کوه دلفی رفت و بی‌درنگ با خاک رس، گل آدم را

³ کریستن‌سن، آرتور. نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه:

احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳، جلد ۱ برگ ۲۹

ساخت و آن را شکل داد. سپس زئوس به آدم‌های خاکی، زندگی بخشید و پرومتئوس را بر آن داشت تا چیزهای لازم را به ایشان بیاموزد.⁴ در سفر پیدایش، بخش دوم آیه هفت آمده است:

«آنگاه خداوند از خاک زمین، آدم را سرشت. سپس در بینی آدم روح حیات دمیده، به او جان بخشید و آدم موجود زنده‌ای شد.» آدم [Adammah] لغتی عبری به معنی خاک رس می‌باشد که مخصوص کوزه‌گری است. با این وجود بعید نیست که بن‌مایه‌ی این روایات همان الگوی سفالگری از خاک رس باشد.⁵

خلقت زن از دنده‌ی چپ مرد

در بخش دوم از سفر پیدایش، آیات ۱۸ تا ۲۵، در مورد خلقت حوا اینگونه ذکر شده که او از "دنده‌ی آدم" خلق شده است. ساموئل هنری هوک در کتاب خود اساطیر خاورمیانه، اسطوره‌ی سومری را نقل می‌کند که شباهت زیادی با داستان خلقت حوا دارد:

«در اسطوره‌ی «انکی» و «نین هورساگ» چنین نقل می‌شود که مادر زنخدای یا همان نین هورساگ هشت گیاه در باغ خدایان رویاند. انکی هوس خوردن این گیاهان را آغاز کرد و فرستاده‌ی خود «الیسی مود» را برای آوردن آنها روانه کرد. انکی آنها را یکی‌یکی خورد و نین هورساگ در حال خشم، انکی را به مرگ نفرین کرد. در نتیجه‌ی این نفرین، هشت عضو از اعضای بدن انکی مورد هجوم بیماری قرار گرفت و در آستانه مرگ بود. خدایان بزرگ به هراس افتادند و از «انلیل» کمکی ساخته نبود. نین هورساگ را ترغیب به بازگشت و رسیدگی به مسئله کردند. نین هورساگ، هشت زنخدای درمان آفرید و هر کدام دست به کار درمان هر یک از عضوهای بیمار بدن انکی شدند. یکی از عضوهای بیمار دنده‌ی خدای نام برده بود و زنخدایی که برای درمان دنده آفریده شده بود، «نین‌تی» نام داشت. واژه‌ی نین‌تی به معنی «بانوی دنده» است. اما واژه‌ی سومری «تی»

⁴ لینسلین‌گرین، راجر. اساطیر یونانی. مترجم: عباس آقاجانی. تهران: انتشارات سروش ۱۳۶۶. برگ ۳۷

⁵ گری، جان. اساطیر خاور نزدیک. مترجم: باجلان فرخی. تهران: انتشارات اساطیر ۱۳۷۸. برگ ۱۹۳

معنی دوگانه دارد و علاوه بر، دنده به معنی حیات نیز هست. از این رو نین تی می‌تواند معنی «بانوی حیات» نیز داشته باشد. حوا در اسطوره عبری نیز معنای حیات دارد. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که یکی از شگفت‌ترین جنبه‌های اسطوره‌ی عبری بهشت به روشنی ریشه در اسطوره‌ی نه چندان پخته‌ی سومری دارد.⁶

فریب خوردن از مار

در تورات، باب سوم از سفر پیدایش، آیات ۱ تا ۱۸ داستان فریب خوردن حوا از مار را بیان می‌کند. اما این داستان نیز برگرفته از اساطیر سومریان و اسطوره‌ی بابلی گیلگمش است:

«گیلگمش گیاه جادویی جوانی، که هر پیری را جوان می‌کند با خود به همراه داشت، او در راه بازگشت به خانه، جایی برای آبتنی توقف می‌کند و گیاه را کناری می‌گذارد و مار آن گیاه را می‌خورد و جاودانه و بی‌مرگ می‌شود. مار در داستان آدم باعث فریب حوا می‌شود که منجر به راندن آنها از بهشت می‌شود، ولی خود به جاودانگی نمی‌رسد فقط انسان را از آن گوهر گران محروم می‌کند. این گونه به نظر می‌رسد که داستان آدم در تورات، این عنصر خود، یعنی مار، را از اسطوره بابلی گرفته باشد و به صورت ناقص در داستان به کار برده باشد، زیرا یکی از علت‌هایی که در این اساطیر، یعنی اساطیر یونان و بابل، مار را به عنوان رباینده‌ی ماده جاودانگی می‌دانند، اعتقاد به عمر طولانی مار است که هر سال پوست عوض می‌کند و همیشه شاداب می‌ماند. در تورات فلسفه انتخاب مار فراموش شده است.»⁷

⁶ هنری هوک، ساموئل. اساطیر خاورمیانه. مترجمان: علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزدآپور. تهران: انتشارات روشنفکران، بی‌تا، برگ ۱۵۷ و ۱۵۸

⁷ جرمی بلک و آنتونی گرین، فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین النهرین باستان، مترجم: پیمان متین، تهران: انتشارات امیر کبیر ۱۳۸۳، برگ ۱۵۱.

نتیجه گیری

مشخص است که تورات (اصلی‌ترین منبع قرآن) برگرفته از اساطیر ملت‌های دیگری است که در همسایگی بنی اسرائیل بوده‌اند و قوانین به اصطلاح آسمانی آن همان قوانین تمدن‌های سه‌ه‌الی چهارهزار سال پیش است و کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های بدست آمده و خصوصاً قوانین «حمورابی» این موضوع را تایید می‌کنند. که در مورد حمورابی و قوانین وی به‌طور جداگانه می‌نویسم که خود پایه ریز قوانین و احکامی است که بعدها در دین یهود به اسم خدا به مردم عرضه شده است.

توحید، معاد، احکام و عبادات

توحید و قیامت

در بین اعراب جاهلی انواع ادیان مثل حنفی، یهودی، مسیحی، بت‌پرستی، خورشیدپرستی، صابئه، دهریه، ستاره پرستان و غیره وجود داشتند. و نکته‌ی انسانی ارزشمند در بین اعراب جاهلی این بود که این همه دین باهم بطور مسالمت آمیز زندگی می‌کردند و بر سر دین با هم نمی‌جنگیدند ولی اسلام این تساهل را از بین برد. حنفیون به توحید و معاد اعتقاد داشتند و خدای جهان را خدای واحد، قادر، عالم، حکیم و عادل می‌دانستند خدایی با صفاتی مشابه آنچه در اسلام آمده است. بزرگان و شعرای زیادی از اعراب، موحد بودند مثل ورقه بن نوفل، امیه بن ابی‌الصلت، زید بن عمرو و قس بن ساعده. اعتقاد به ملائکه و جن و غول و شیطان نیز در بین اعراب رایج بوده است،⁸ که به اسلام راه یافته است.

بر این اساس محمد بنیانگذار توحید و معاد نبوده است بلکه آن را از محیطش گرفته و وارد اسلام کرده است. «شاید کهنترین نمونه پرستش خدای یکتا به "آخن آتون" فرعون مصری سلسله‌ی هجدهم بازگردد که از ۱۳۷۹ تا ۱۳۶۲ پیش از میلاد بر مصر سلطنت می‌کرد. او اصلاح طلب دینی بود و ستایش آتون [ATON] خدای خورشید را جایگزین ستایش همه دیگر خدایان کرد و معبدی برای او ساخت. بعید نیست که اعتقاد به خدای یکتا در میان یهودیان خود در پی برخورد یهودیان مقیم مصر با این تحولات فکری در آن سرزمین بوده باشد.»⁹ ایده جهان پس از مرگ نیز مربوط به اساطیر ایرانی و هندی می‌شود و به نظر می‌آید که یهودیان این باور را هنگام فتح بابل به دست کوروش از ایرانیان اخذ کرده‌اند. این اعتقاد سپس از یهود به مسیح و اسلام و در نتیجه کل جهان منتقل شده باشد. استاد مهرداد بهار در مورد چگونگی پیدایش این باور در ایرانیان می‌گوید:

⁸ بلوغ الارب، ج ۲، ص ۱۹۴-۲۸۶

⁹ پژوهشی در اساطیر ایران. برگ ۵۰۶

«اندیشه‌ی متبلور شده‌ی بهشت و دوزخ، که برترین اندیشه‌ی موجود کنونی در این باره نیز می‌باشد، از ذهن ایرانی برخاسته و جهانگیر شده است. علت آن نیز می‌تواند تصور ایرانیان درباره‌ی ضدخدایان یعنی دیوان باشد، یعنی تا وقتی که اندیشه انسان درباره‌ی ضدخدایان کمال نیابد و تبدیل به یک نظام نگردد، نمی‌توان به تصور دوزخی کامل و عذاب اخروی معتقد شد.»¹⁰ اسطوره‌شناسان بزرگ دیگری نظیر «جیمز بار»¹¹، «میرچا الیاده»¹² و «جان هینلز»¹³ نیز اعتقاد به جهان پس از مرگ را دارای ریشه ایرانی می‌دانند. به خاطر نفوذ همین اندیشه‌های ایرانی است که اولین بار در کتب عهد جدید سخن از جهنم و آتش و عذاب مجرمان به میان می‌آید.

احکام اسلامی

طبیعی است که در محیط عربستان، مثل هر سرزمین دیگری در ۱۴۰۰ سال پیش، احکام مختلفی در مورد معاملات مختلف مثل خرید و فروش، رهن، اجاره، قرض و ربا و امثالهم وجود داشت. همچنین احکام ازدواج و طلاق داشتند که حتی نام انواع طلاق‌های موجود در اسلام از محیط عربستان گرفته شده است مثل طلاق ثلاث و ایلاء و ظهار و عده نگه داشتن زن بعد از مرگ شوهر یا طلاق و امثالهم.¹⁴ در فقه اسلامی احکام به دو دسته‌ی تاسیسی و تصویبی تقسیم می‌شوند. احکام تاسیسی احکامی‌اند که بدون سابقه‌ی قبلی توسط محمد ابداع شده است و احکام تصویبی احکامی‌اند، که قبلاً در محیط عربستان وجود داشته و محمد به آنان عمل کرده و بدین صورت وارد اسلام شده است. فقهای اسلام نیز معتقدند که بیشتر احکام فقهی تصویبی‌اند یعنی از محیط گرفته شده‌اند البته محمد گاه تغییراتی در آنان داده است. احکام قضایی اسلامی که

¹⁰ پژوهشی در اساطیر ایران. برگ ۴۸۵

¹¹ مهر، فرهنگ. دیدی نو از دینی کهن، فلسفه زرتشت. تهران: انتشارات جامی ۱۳۷۴. برگ ۹۴

¹² الیاده، میرچا. چشم اندازه‌های اسطوره. مترجم: جلال ستاری. تهران: انتشارات توس ۱۳۶۲. برگ ۷۳

¹³ هینلز، جان راسل. شناخت اساطیر ایران. مترجم: محمد حسین باجلان فرخی. تهران: انتشارات اساطیر

عمدتا بسیار خشونت آمیزند نیز در محیط عربستان و هم در تورات وجود دارند مثل رجم و بریدن دست و قصاص و امثالهم. در اینجا بد نیست اشاره‌ای به تاریخچه‌ی قوانین قضایی بکنیم. در کشفیات باستان‌شناسی در منطقه‌ی شوش در سال ۱۹۰۴ الواح باستانی اکدی یافت شد که مربوط به ۳۷۰۰ سال پیش است (۱۶۸۶-۱۷۲۸ پیش از میلاد) بر یک لوح بزرگ، ۲۸۲ قانون حقوقی از حمورابی پادشاه برجسته‌ی بابلی به خط میخی وجود دارد. این قوانین منظم‌ترین و کاملترین مجموعه‌ی حقوقی باستانی است و به صورت جزئی وارد بسیاری مباحث حقوقی شده است. و شامل مجموعه‌ای از قوانین خشن و ملایم و ظالمانه و عادلانه است. ده فرمان و بسیاری از قوانین حقوقی تورات تقریبا بطور تحت الفظی از قوانین حمورابی گرفته شده است و سپس این قوانین تقدس یافته به اسلام راه یافته است. مثلا قصاص کیفری است که در آسیب جسمی، بر جنایتکار اعمال می‌شود و مساوی با جنایت است. مثلا اگر کسی عمدا دیگری را کشت، کشته می‌شود یا اگر چشم کسی را کور کرد چشمش را کور می‌کنند. این عمل از قوانین حمورابی گرفته شده است. قصاص در قرآن در آیاتی چند مورد تایید قرار گرفته است از جمله:

بقره ۱۹۴: پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید.

مائده ۴۵: و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و زخمها قصاصی دارند و هر که از آن [قصاص] درگذرد پس کفاره [گناهان] او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نمی‌کنند آنان خود ستمگرانند.

این آیه بسیار شبیه به قوانین ۱۹۶ تا ۲۰۵ حمورابی است.

عبادات اسلامی

عبادات مختلف مثل نماز و روزه و حج نیز در محیط عربستان و بعضی در کتب یهود وجود داشته که با تغییراتی وارد اسلام شده است.¹⁵

¹⁵ بلوغ الارب، ج ۲، ص ۱۹۶

مفاهیم و کلمات قرآن در شعر جاهلی

در این قسمت بخش‌هایی از شعرهای دوره‌ی جاهلی (قبل از اسلام) که دارای مفاهیم و کلمات و حتی جملات مشابه قرآنند را ذکر می‌کنیم.¹⁶ این اشعار نشان می‌دهند که محمد تا چه حد تحت تاثیر محیطش بوده و مطالبی که به خدا نسبت می‌دهد را از آنها اقتباس کرده است.

خطابه‌ها و اشعار هم‌ارز با سوره‌های قرآن

در خطابه‌ای که از قس بن ساعدة الایادی [خطیب مشهور عرب که قبل از بعثت محمد از دنیا رفت.¹⁷ وی معتقد به خدای واحد و معاد بود] است؛ آمده:

“اسمعوا وعوا فإذا وعیتم فانتفعوا إنه من عاشر مات ومن مات فات وكل ما هو آت مطر ونبات وأرزاق وأقوات وآباء وأمهات وأحیاء وأموات جمیع وأشتات وآیات بعد آیات إن فی السماء لخبراً وإن فی الأرض لعبراً لیل داج وسماء ذات أبراج وأرض ذات رتاج وبحار ذات أمواج مالی أری الناس یذهبون فلا یرجعون أرضوا بالمقام فأقاموا أم ترکوا هناك فناموا... تبا لأرباب الغفلة من الأمم الخالیة والقرون الماضیة یا معشر ایاد أین الآباء والأجداد وأین المریض والعواد وأین الفراعنة الشداد أین من بنی وشید زخرف ونجد وقره المال والولد أین من بغی وطغی وجمع فأوعی وقال أنا ربکم الأعلى ألم یكونوا أكثر منکم أموالاً وأبعد منکم آمالاً وأطول منکم آجالاً طحنهم الثری بكلکله ومزقهم بتطاوله فتلك عظامهم بالیة وبیوتهم خالیة عمرتها الذئاب العاویة کلا بل هو الله الواحد المعبود لیس بوالد ولا مولود”¹⁸

این خطابه به خوبی با سوره‌های کوچک آخر قرآن هم از نظر زیبایی کلام و هم از نظر معنا برابری می‌کند. اکثر مفاهیم آن در قرآن بسیار تکرار شده است. از نظر مفهومی و مواردی از نظر کلامی نیز در قرآن آمده است:

¹⁶ القرآن فی اشعر الجاهلی، ناهد متولی: از کتب خوب در این زمینه است.

¹⁷ الاصابه ۵/۵۵۱

¹⁸ دلائل النبوه اثر حافظ بیهقی ۲/۱۰۸

- مفهوم - "وكل ما هو آت آت یعنی هرچه آمدنی است می‌آید" همان ایده‌ی تقدیر قبلی وقایع است که از مفاهیم مسلم قرآنی است. (توبه/۵۱، نساء/۷۸، حدید/۲۲ و ۲۳، انفال/۱۷، ابراهیم/۴، اعراف/۱۷۹، آل عمران/۲۶، زخرف/۳۲).
- مفهوم - "إن في السماء لخبرا وإن في الأرض لعبرا یعنی قطعا در آسمان خبر است و در زمین عبرت است" همان ایده‌ای است که در قرآن فراوان آمده است. مثلا در آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی یوسف می‌خوانیم: "وَكَايْنٍ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ - و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین است که بر آنها می‌گذرند در حالی که از آنها روی برمی‌گردانند"
- عبارت - "وسماء ذات أبراج" بصورت "وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (بروج/۱)" در قرآن آمده است.
- مفهوم - "وغره المال والولد یعنی مال و فرزند او را مغرور کرد" بکررات در قرآن آمده است. مثل: "وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (انعام/۷۰)" یعنی آنان را زندگی دنیا مغرور کرد و یا مثل: "الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا (کهف/۴۶)" یعنی مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است.
- کلام - "وَجَمَعَ فَأَوْعَى" عینا در سوره‌ی معارج آیه‌ی ۱۸ آمده است.
- کلام - "فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى" عینا در سوره‌ی نازعات آیه‌ی ۲۴ آمده است.
- کلام - "ألم یكونوا أكثر منكم أموالا" در قرآن بصورت: "كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا (توبه/۶۹)" آمده است.
- کلام - "هو الله الواحد" که از مفاهیم اصلی قرآن است عینا در سوره‌ی زمر آیه‌ی ۴ آمده است.
- کلام - "لیس بوالد ولا مولود" از مفاهیم اصلی قرآن است و کلام آن در قرآن با شباهت فراوان آمده است: لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (سوره‌ی توحید).

● همچنین در خطبه‌ی فوق نقل شده است،¹⁹ که گفته “وجبال مرساة” که در قرآن بصورت “وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (النازعات/۳۲) یعنی و کوه‌ها را لنگر زمین گردانید” آمده است.

● همچنین در خطبه‌ی فوق نقل شده است،²⁰ که گفته “وسقف مرفوع” که در قرآن بصورت “والسقف المرفوع (طور/۵) یعنی قسم به آسمان که سقفی بالا نگاه داشته است” آمده است.

● در خطبه‌ی دیگری از وی (قس بن سعدہ العیادی) نقل شده است:²¹

“کلا بل هو إله واحد ليس بمولود ولا والد أعاد وأبدى وأمات وأحيا وخلق الذكر والأنثى رب الآخرة والأولى أما بعد فيا معشر إياد أين ثمود وعاد وأين الآباء والأجداد وأين العليل والعواد كل له معاد يقسم قس برب العباد وساطح المهاد لتحشرون على الانفراد في يوم التناد إذا نفخ في الصور ونقر في الناقور وأشرقت الأرض ووعظ الواعظ فانتبذ القانط وأبصر اللاحظ فويل لمن صدف عن الحق الأشهر والنور الأزهر والعرض الأكبر في يوم الفصل وميزان العدل إذا حكم القدير وشهد النذير وبعد النصير وظهر التقصير ففريق في الجنة وفريق في السعير”

می‌بینیم که عبارات از نظر مفهومی و بعضی عینا در قرآن نقل شده‌اند:

- کلام “وَ خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى” عینا در سوره‌ی الیل آیه‌ی ۳ آمده است.
- کلام “يَوْمَ التَّنَادِ” عینا در سوره‌ی غافر آیه‌ی ۲۳ آمده است.
- کلام “إِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ” عینا در سوره‌ب مومنون آیه‌ی ۱۰۱ آمده است.
- کلام “وَ نَقَرَ فِي النَّاقُورِ” عینا در سوره‌ی مدثر آیه‌ی ۸ آمده است.
- کلام “وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ” عینا در سوره‌ی زمر آیه‌ی ۶۹ آمده است.
- کلام “يَوْمَ الْفَصْلِ” عینا در چندین سوره از جمله در نبأ آیه‌ی ۱۷ آمده است.
- کلام “فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ” عینا در سوره‌ی شوری آیه‌ی ۷ آمده است.

¹⁹ دلائل النبوه اثر حافظ بیهقی ۲/۱۰۲

²⁰ دلائل النبوه اثر حافظ بیهقی ۲/۱۰۳

²¹ البدایه و النهایه لابن اثیر ۲/۲۳۳

امیه بن ابی صلت شاعر جاهلی می گوید:²²

الا كل شيء هالك غير رينا / ولله ميراث الذي كان فانيا

ترجمه: (آگاه باشید که هر چیزی جز پروردگار ما فانی است) / (و میراث هر چه فانی است از خداست). مصراع اول در این آیه "كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ" (قصص/۸۸) و مصراع دوم در این آیه آمده است: "وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ" (آل عمران/۱۸۰) (او همچنین می گوید:

له ما رأت عين البصير و فوقه (هر آنچه چشم بینا می بیند از اوست و بالاتر از آن)

مفهوم این جمله بشدت در قرآن تکرار شده مثل "لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ" (بقره/۱۰۷) و بصیر نیز بعنوان یکی از صفات خدا مکررا در قرآن آمده است. مثل "انَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ" (حج/۶۱) همچنین گفته است:

سمااء الاله فوق سبع سمائيا (آسمان خدا در بالای هفت آسمان).

این ایده دقیقا چیزی است که در قرآن و سنت آمده است که بالاتر از آسمان هفتم عرش الهی قرار دارد که خدا بر روی آنست. (هود/۷، حاقه/۱۷، سجده/۴ و...).

همچنین می گوید:

لم تخلق السماء و النجوم و الشمس معها قمي يقوم والحشر و الجنة و النعيم قدرها المهيمن القيوم الا لامر شأنه عظيم.²³

یعنی آسمان و ستارگان و خورشید و ماه و قیامت و بهشت و دوزخ را خدای مهیمن قیوم خلق نکرد مگر برای هدفی با عظمت. مشاهده می کنید که مفهوم خلقت و هدفدار بودن آن، قیامت و بهشت و دوزخ که از ارکان دین محمندن همگی در این بیت کوتاه آمده است و لغات "مهیمن و قیوم" عینا بعنوان صفات خدا در قرآن آمده است:

● اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (آل عمران/۲)

● هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ (حشر/۲۳)

²² بلوغ الارب في معرفة احوال العرب للالوسي، ج ۲

²³ تفسير النكت و العيون ماوردي

زید بن عمرو شاعر جاهلی می گوید:²⁴

دحاها فلما استوت شدها بأيد و ارسى عليها الجبالا

یعنی زمین را پهن کرد و چون درست شد آن را با دست خویش قوی گردانید و کوهها را بر آن استوار گردانید. مفهوم پهن کردن زمین و کلمه‌ی "دحاها" عینا در قرآن آمده است که "والارض بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (نازعات/۳۰)" همچنین استوار کردن کوهها و ارسى عینا در قرآن آمده است: "وَ الْجِبَالُ اَرسِيهَا (نازعات/۳۲)"

کعب بن لؤی از شعرای قدیم جاهلیت می گوید:²⁵

... فاسمعوا و تعلموا و افهموا، لیل ساج، و نهار ضاح، و الارض مهادا، و السماء

بناء، و الجبال اوتادا و النجوم اعلام...²⁶

● وَ الارض مهادا (زمین گهواره است) عینا در قرآن در آیه‌ی ۶ سوره نباء آمده است.

● وَ السَّمَاءِ بِناءً (آسمان بنا است) عینا در قرآن در آیه‌ی ۲۲ سوره بقره آمده است.

● وَ الْجِبَالُ اُوتادا (کوهها میخ هستند) عینا در قرآن در آیه‌ی ۷ سوره نباء آمده است.

عبد الطابخة بن ثعلب از شعرای دیگر جاهلی می گوید:²⁷

و انت القديم الاول الماجد الذي تبدأ خلق الناس في اکتهم العدم و انت الذي

احللتني غيب ظلمة الي ظلمة في صلب آدم في ظلم.

ترجمه: (تو قدیم اول و با عظمتی هستی که) (شروع کردی خلق مردم را از عدم)

(و تو کسی هستی که مرا در غیب ظلمتی قراردادی) (به ظلمتی دیگر در صلب آدم در

ظلماتی)

²⁴ سیره نبویه لابن هشام، باب شعر زید

²⁵ تاریخ الخفاء ۱/۱۰۸

²⁶ البدایه و النهایه لابن، ج ۲، باب کعب بن لؤی

²⁷ بلوغ الارب في معرفة احوال العرب للالوسي، ج ۲

- مفهوم قدیم بمعنی "ازلی" در قرآن آمده است.
- همچنین لغت "اول" برای خدا در قرآن ذکر شده است: هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ (الحدید/۳)
- همچنین شروع خلق توسط خدا بطور مکرر در قرآن آمده است. مثلاً: "اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ (یونس/۳۴)".
- مفهوم ظلمت‌های سه گانه که از نطفه تا رحم طی می‌شود نیز در قرآن آمده است: "يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ (زمر ۶)" یعنی شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکی‌های سه گانه خلق کرد.

حاتم طایی از شعرای جاهلی که در سخاوت و شعر مشهور بود می‌گوید:²⁸

- اما والذي لا يعلم السر غيره و يحيي العظام البيض و هي رميم
ترجمه: (سوگند به آنکه سر را نمی‌داند غیر از او) (و زنده می‌کند استخوان‌های سفید پوسیده را)
- کلام "يعلم السر" عیناً در قرآن آمده است: "فانه يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفِيَ (طه/۷)
 - همچنین مصرع دوم عیناً در قرآن آمده است: "قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ (یس/۷۸)"

زهیر بن ابی سلمی از شعرای جاهلی می‌گوید:²⁹

لقد نازعتهم حسبا قديما / و قد سجت بحارهم بحاري
مصرع دوم در قرآن بصورت "وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (تکویر/۶)" آمده است.

²⁸ بلوغ الارب في معرفة احوال العرب للالوسي، ج ۱

²⁹ الدر المنثور، سوره تکویر

امرؤ القیس از برترین شعرای عرب جاهلی است که محمد در مورد او

گفته "امرؤ القیس پرچمدار شاعران است بسوی جهنم". وی اشعار بسیار زیبایی دارد و بعضی از جملات وی عینا در قرآن آورده شده است.³⁰ مثلاً:

یتمنی المرء فی الصیف الشتاء (مرد در تابستان طالب زمستان است) حتی إذا جاء الشتاء أنکره (وقتی زمستان می‌آید آن را بد می‌داند) فهو لا یرضی بحال واحد (او به وضعیت واحد راضی نمی‌شود) قتل الإنسان ما أکفره (کشته باد انسان، چرا اینقدر کفران پیشه است)

● مصرع چهارم عینا در قرآن آمده است: "قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرُهُ (عبس/۱۷)"

و در اشعار عاشقانه‌ای می‌گوید:

اقتربت الساعة وانشق القمر (زمان نزدیک شد و ماه شکافته شد) عن غزال صاد قلبی ونفر (از غزالی که قلبم را شکار کرد و روی بگردانید) و در انتهای آن می‌گوید:

قلت اذ شق العذار خده (وقتی موی او رخسار او را شکافت، گفتم) دنت الساعة و انشق القمر (زمان نزدیک شد و ماه شکافت)

● مصرع اول عینا در قرآن آمده است: "اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ (القمر/۱)".

جالب است که ادعا شده است که این آیه حکایت معجزه‌ی شق القمر است در حالیکه شعر زیبای عاشقانه‌ای بوده که محمد از امرؤ القیس گرفته است. و در جای دیگر می‌گوید:

إذا زلزلت الأرض زلزالها (وقتی زمین بلرزد لرزیدنی) وأخرجت الأرض أثقالها (و زمین ثقل‌هایش (مرده‌ها) را بیرون افکند. تقوم الأنام علی رسلها (مردم بر پا می‌ایستند). لیوم الحساب تری حالها (برای روز حساب که حالش را می‌بینی)

عبارات این شعر عینا در قرآن آمده است دقت کنید:

● إذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (زلزال/۱) وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (زلزال/۲) غیر از

عین جملات، مفاهیم اشعار فوق (بجز شعر عاشقانه) نیز در قرآن آمده است.

زبراء کاهنه که یک زن شاعر کاهن جاهلی بود می‌گوید:³¹

واللیل الغاسق و اللوح الخالق و الصباح الشارق و النجم الطارق و المزن الوادق،
ان شجر الوادي لیأدو ختلا، و یحرق انیابا عصلا و ان صخر الطود لیندر ثکلا،
لاتجدون عنه معلا...

ترجمه: سوگند به شب تاریک و سوگند به لوح خالق و سوگند به ستاره‌ی کوبنده و سوگند به ابر باران ریز، درخت وادی فریبنده می‌آید...

مشاهده می‌کنید شبیه قرآن و با همان زیبایی به جلوه‌های طبیعت قسم خورده و در آخر شروع به بیان مطلبش می‌کند. این اشعار نشان می‌دهد که محمد این سبک بیان را از شعراء عرب فرا گرفته است و آن ذ به نام قرآن و یا کلام الهی به مردم زمانش عرضه کرده. بعلاوه کلمات مشابه شعر فوق در قرآن نیز بکار گرفته شده است. مثل: "وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (الطارق/۱)"

حاتم طابی از شعراء و سخاوتمندان بزرگ عرب جاهلی اشعار بسیار زیبا و پر از مفاهیم انسانی و اخلاقی دارد.³²

همچنین عنتره از شعرای دیگر جاهلی نیز دارای اشعار لطیف با مفاهیم اخلاقی است. در مجموع مشاهده کردید که مفاهیم اصلی قرآن در ادبیات جاهلی وجود دارد و سبک شعرگونه سوره‌های مکی قرآن نیز در اشعار جاهلی وجود داشته است و در مواردی حتی عین جملات و کلمات شعراء جاهلی در قرآن آمده است. که وسعت تاثیر محیط را در گفته‌های محمد نشان می‌دهد و این همان چیزی است که از هر انسان عادی دیگری انتظار می‌رود.

نتیجه گیری

همه‌ی ما بشدت تحت تاثیر محیطمان هستیم؛ اما گفته‌های خدا باید بسیار وراتر و جهانی‌تر و بلند افق‌تر از کلمات انسان‌های عادی باشد و قرآن چنین نیست. بلاشک

³¹ بلوغ الرب، ج ۳، ص ۲۸۸

³² بلوغ الرب، ج ۱، ص ۷۷ به بعد

قرآن هم مثل اشعار شعرای بزرگ جاهلی خصوصاً سوره‌های کوچک مکی آن زیبایی دارد ولی از این حیث نمی‌شود نام معجزه بر آن نهاد. اولاً زیبایی همه‌ی قرآن مشابه نیست. از جملات شعرگونه‌ی زیبای سوره‌های مکی تا آیات مبهم بهم ریخته در قرآن وجود دارند. بنظر می‌رسد که نهج البلاغه منسوب به علی، خلیفه چهارم مسلمانان در مواردی هم از نظر زیبایی و هم مفاهیم برتر از قرآن است. مثنوی مولوی از نظر مفاهیم از هر دو برتر است. گرچه نثر بعضی از آیات قرآن زیباست ولی به پای گلستان سعدی نمی‌رسد و گرچه بعضی اشعار قرآن زیباست ولی هرگز به پای شعر حافظ نمی‌رسد.